

# دست نوشته هایی تازه یافته از نصیرالدین کاشانی [حلی]

۱۹۵-۲۲۲

**چکیده:** نصیرالدین علی بن محمد کاشانی معروف به نصیرالدین حلی از جمله متکلمان و فیلسوفان قرن هفتم و هشتم، در منطقه حله است. بجز رساله النکات، باقی آثار او حاشیه و تعلیقاتی بر آثار کلامی، منطقی، و فلسفی اندیشمندی چون خواجه نصیرالدین طوسی، علامه حلی، قاضی بیضاوی، شمس الدین اصفهانی و قطب الدین رازی است. محقق گرامی جناب آقای عطایی نظری در مقاله‌ای تحت عنوان «نصیرالدین کاشانی و نگاشته های کلامی او» به معرفی وی، و آثاری که تا بحال از او شناخته شده بود، پرداخته است. در این نوشتار سعی شده است نسخه‌های تازه یافته از تالیفات نصیرالدین کاشانی نظیر النکات، حاشیه تسدید القواعد، حاشیه طوالج، حاشیه شرح اشارات، حاشیه شرح شمسیه معرفی و بررسی گردد.

**کلید واژه:** نصیرالدین کاشانی، النکات، حاشیه تسدید القواعد، حاشیه طوالج، حاشیه شرح اشارات، حاشیه شرح شمسیه.

## Newly Discovered Manuscripts of Nasir al-Din Kāshānī [Ḥillī]

Mustafa Ahmadi

**Abstract:** Nasir al-Din Ali bin Muhammad Kāshānī, known as Nasir al-Din Ḥillī, is among the theologians and philosophers of the 7th and 8th centuries, in the Ḥilla region. Except for the treatise al-Nikāt, the rest of his works are annotations and commentaries on theological, logical, and philosophical works of thinkers such as Khāji Nasir al-Din Tusi, Allāmah Hillī, Qāḍī Bayḍāwī, Shams al-Din Esfahani, and Qutb al-Din Rāzī. In an article titled “Naṣīrud-dīn Kāshānī and his theological writings”, the respected scholar Mr. Ataie Nazari introduced him and the works that were known by him until now. In this article, an attempt has been made to review the newly found manuscripts of Nasir al-Din Kāshānī’s works, such as al-Nikāt, Annotation of Tasdīd al-Qavāid, Annotation of Ṭawālī’, Annotation of Sharḥ-e Ishārāt, Annotation of Sharḥ-e Shamsīyah.

**Keywords:** Nasir al-Din Kāshānī, Al-Nikāt, Annotation of Tasdīd al-Qavāid, Annotation of Ṭawālī’, Annotation of Sharḥ-e Ishārāt, Annotation of Sharḥ-e Shamsīyah.

پیش از این در مقاله‌ای<sup>۱</sup> جناب آقای حمید عطایی نظری به معرفی نصیرالدین علی بن محمد بن علی کاشانی و آثار او پرداخته است. او در آن نوشتار به معرفی زندگی‌نامه، اساتید، شاگردان و نیز آثار نصیرالدین تا آنجا که اطلاع داشته، اشاره کرده است. در این نوشتار به بهانه تصحیح همه آثار نصیرالدین کاشانی (حلی) با عنوان موسوعه آثار نصیرالدین کاشی (حلی) از طرف مرکز علامه حلی وابسته به عتبه حسینییه و نیز دستیابی به برخی از آثار وی که تا به حال در جایی به آنها اشاره نشده است، به معرفی این آثار می‌پردازیم.

## ۱. النکات

این رساله که با عنوان النکات فی مسائل امتحانیة فی علمی المنطق و الکلام<sup>۲</sup> نیز شناخته می‌شود،<sup>۳</sup> مشتمل بر پنجاه و یک نکته و مسئله بر محور علوم منطق،<sup>۴</sup> فلسفه،<sup>۵</sup> کلام<sup>۶</sup> و فقه<sup>۷</sup> است. بیان این نکته لازم است که از این «نکات»، تنها سه نکته بر محور فقه است که آنها را نیز نصیرالدین بر محور مباحث منطق چیده و به آنها اشاره کرده است.<sup>۸</sup> نیز مسئله پنجاه و یکم از این کتاب درباره یک مسئله مغالطی است.<sup>۹</sup> نصیرالدین این رساله را به خواست عمادالدین یحیی بن احمد کاشانی<sup>۱۰</sup> تصنیف

۱. نگرشی بر نگارش‌های کلامی (۸)، نصیرالدین کاشانی و نگاشته‌های کلامی او، شماره ۱۶۴، خرداد و تیرماه ۱۳۹۶. وی در این مقاله به همه آثار نصیرالدین کاشانی اشاره کرده است، ولی ما در اینجا به بررسی آثاری می‌پردازیم که تا به حال نسخه‌ای از آن معرفی نشده است.

۲. اعیان الشیعة، ج ۸، ص ۳۰۹.

۳. عنوان «النکات فی مسائل امتحانیة فی علمی المنطق و الکلام» را اولین بار محسن امین در کتاب اعیان الشیعة، ج ۸، ص ۳۰۹ آورده است. علت بیان این عنوان برای این رساله مشخص نیست، اما در تمام نسخه‌های رساله النکات و شرح آن از عمادالدین یحیی، با عنوان النکات معرفی شده است.

۴. مسائلی چون: «الشیء مستلزم لتقیضه...»، «سلب الشیء عن مساویه واقع...» و «أئمة المنطق صرحوا باننتاج المنفصلین...».

۵. مسائلی چون: «واجب الوجود أكثر من واحد...»، «الموجود المطلق واجب الوجود لذاته أعني...» و «واجب الوجود موجود بالخارج؛ إذ لولا ذلك...».

۶. مسائلی چون: «العالم حادث؛ لأن جزئه...»، «الواجب واحد...» و «واجب الوجود مختار...».

۷. مسائلی چون: «أفضل الوضوئین واجب خلافاً لأبی حنیفة...» و «سفر الوالد سفرأ منقطعاً تنتقل الولاية إلى الجد...».

۸. بنگرید به: النکات، ص ۵۴-۵۵، مسئله بیست و دوم تا بیست و پنجم.

۹. چنان‌که بیان خواهد شد، هم در مقدمه نسخه‌های این اثر «... فتلقیت اشاره العالیة بالقبول والامتنال، وجمعت منها خمسین، وذلك ما كان حاضرأ لدي في الحال مع ذکری أجریتها علی سبیل الأرتجال وطریق الاستعجال...» (النکات، ص ۳۲) و هم در انتهای نسخه، شماره این نکات و مسائل تا پنجاه مسئله ذکر شده است: «ولنختم النکات الخمسین بمغالطة بدیعة منیعة لطیفة ظریفة لا یرد علیها منع التقدیر أصلاً هي من غرائب النکات ونوادیر المغالطات، وهي...» (النکات، ص ۷۰-۷۳) اما در نسخه کتابخانه گلپایگانی به شماره ۳۵/۵۹-۶۸۷۹/۱۴ به عنوان مسئله پنجاه و یکم آمده است: «الحادیة والخمسون و...».

۱۰. عمادالدین یحیی این رساله را در زمان حیات مصنف که استاد او نیز بوده، شرح داده است. دست‌کم چهار دست‌نوشته از این شرح هم اکنون در دست است: ۱. دست‌نوشته‌ای در کتابخانه سلیمانیه ترکیه (بغدادلی وهبی افندی) شماره ۸۲۸ که فاقد تاریخ است. (نگرشی بر نگارش‌های کلامی (۸)، نصیرالدین کاشانی و نگاشته‌های کلامی او) ۲. دست‌نوشته‌ای در کتابخانه توپکالی احمد ثالث به شماره ۱۹۰۳. روی برگ اول این نسخه این‌طور آمده است: «شرح نکات نصیر الحلی لأحمد الکاشی» و نیز در روی برگ دوم آمده است: «پنجاه و یک مسئله است بعضی از کلام و بعضی از حکمت بر سبیل سؤال و جواب از نصیرالدین الحلی و شرح این مسائل از آن مولانا یحیی کاشی». تاریخ کتابت این نسخه اواخر ذی‌الحجه الحرام سال ۸۱۵ ق است. ۳. دست‌نوشته‌ای در کتابخانه بورسوا به شماره ۱۱۰۷. این دست‌نوشته به صورت مجموعه است. رساله چهارم آن، شرح النکات عمادالدین یحیی است. این نسخه به دست «قطب بن عمر بن صاحب الجبلی» در سلخ شعبان المعظم سال ۷۴۱ ق کتابت

کرده است.<sup>۱۱</sup> الفاظ و تعریفات به کار رفته در آغاز نسخه النکات همچون «منبع جود و فضل»، «افضل دهر»، «صاحب ذهن دقیق» و «دارای اخلاق زکیه»، نشان دهنده جایگاه عمادالدین یحیی نزد نصیرالدین حلی دارد.<sup>۱۲</sup> تاریخ تألیف اثر مشخص نیست. دست نویسی به خط شاگرد نصیرالدین، ابن عتائق حلی در کتابخانه خزانه غرویه به شماره ۶۷۰ موجود است که کتابتش در ذی الحجه سال ۷۵۲ق به پایان رسیده است. بر خلاف ادعای آقای عطایی نظری مبنی بر اینکه ابن عتائق «بر آن پاره‌ای حواشی کوتاه نیز نگاشته است»،<sup>۱۳</sup> هیچ گونه حاشیه‌ای بر این اثر دیده نمی‌شود.

دست نویسی در کتابخانه عمومی بوسا به شماره ۱۱۰۷ هست<sup>۱۴</sup> که رساله النکات در ضمن یکی از مجموعه‌های آن است. می‌توان تاریخ تألیف را به قبل از این سال، یعنی سال ۷۵۲ق مستند کرد. انجامه این نسخه به این صورت است:

تمت هذه النکات بتوفیق مفید الجود والخیرات واهب العقول والکمالات [...] الصدق والصواب و [...] المبدأ و إلیه المآب فی أوائل شعبان المعظم من شهر سنة إحدى وأربعین وسبعمائة هجرية نبوية صلوات الله علیه، بلغت المقابلة.<sup>۱۵</sup>

بنابراین رساله النکات باید پیش از سال ۷۴۱ق به دست نصیرالدین تألیف شده باشد. [بنگرید: تصویر شماره ۱]

در جلد اول فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، صفحه ۷۶۷ رساله‌ای با عنوان أجوبة المسائل = النکت» گزارش شده است. متن این گزارش به این صورت است:

رساله مختصری در پاسخ به ۵۱ سؤال فلسفی و منطقی است. بسیار لطیف و دقیق که در آغاز نسخه

شده است. ۴. دست نوشته‌ای در کتابخانه سلیمانیه فاتح به شماره ۳۲۸۸ که نه تاریخ کتابت دارد و نه اسم کاتب.

۱۱. اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۹.

۱۲. آغاز نسخه این گونه است: «وبعد؛ فإن مولای الإمام ابن الإمام، منبع الجود والفضل والإنعام، أفضل دهره، وزبدة عصره، ذا الذهن الوقاد، والطبع النقاد، أکیس زمانه، وفائق سائر أقرانه، المخصوص من العناية الإلهية بالنفس القدسية، والأخلاق الرکیه، والشیم المرضیه، نعم منبع العلیاء، والعلم والنهی، ومجتمع الأنعام والفخر والمجد، عماد الملة والدين، فخر الإسلام والمسلمین «یحیی» متعه الله بشیابه بین أخلائه وأحبابه، وأوصله أقصى نهایات السعادات، وأرفع درجات الکمالات، بحق الحق ونبيه القائل بالصدق، سبق له فی حقی من الإنعام ما لا أحصیه، ومن الأیادی ما لا استقصیه، له آیادی لئی سابقه أعد منها ولا أعددها، جزاه الله أفضل الجزاء وأوفره، ووفائه أكمل الأجر وأغرره، وكان قد أشار لئی بجمع عدة من المغالط والنکات والفوائد والإیرادات؛ لیکون ذلك تذكرة متی لعلی حضرته، ومونساً له أحيان خلوته، فتلقیت إشارته العالیة بالقبول والامتنال، وجمعت منها خمسين، وذلك ما كان حاضراً لیدی فی الحال مع ذکری أجریتها علی سبیل الارتجال وطریق الاستعجال، ملتمساً من عمیم کرمه وتشریف شیمه اصلاح ما یقف علیه من الخلل، وبعشر علیه أثناء المطالعة من الزلل، ومن الله جل جلاله أستمد التوفیق لما یتوکلون سبباً لصلاح الأخری والأولی، وأسأله هدایة الطریق الی ما هو الأخری والأولی، أنه علی ذلك قدیر وبالإجابة جدير».

۱۳. نگرشی بر نگارش‌های کلامی (۸)، نصیرالدین کاشانی و نگاشته‌های کلامی او، شماره ۱۶۴، خرداد و تیر ۱۳۹۶.

۱۴. از استاد عزیزم جناب آقای احمد رضا رحیمی ریشه بابت تهیه و در اختیار قرار دادن این اثر تشکر می‌کنم.

۱۵. نسخه خطی ۲۸ب. کاتب این نسخه با توجه به رساله‌های دیگر «قطب بن عمر بن صاحب الجیلی» و در شهر «تبریز» کتابت شده است.

از تألیفات سلطان المحققین نصیر المله و الدین معرفی شده است. چنین رساله‌ای گرچه در معرفی تألیفات خواجه نیامده، ولی دو نسخه موجود در ایران تأمل بیشتر در آن را می‌طلبد. نسخه‌ای در نشریه (۴۸/۱۰) موجود است که آغاز آن با نسخه گلیپایگانی همخوان است و به نصیرالدین کاشانی نسبت داده شده است. بنابراین دور نیست انتساب این رساله به نصیرالدین طوسی اشتباه باشد. آغاز: الاول المدعی لا مؤثر فی وجود شیء من الاشياء الا الله تعالی لانه لوکان لکان ممکن الوجود فلا بد له من علة تامة فتلك اما نفسه أوجزه أو خارج عنه انجام: الحادية والخمسون و لتردف والنکات الخمسين بمغالطة بدیعة... و لكن الجواب عنه بان يقال نحن لم نقل ان المجلي الي ثبوت عدم المدعی... فلیتأمل لعله تظفر بحل آخر لهذه المغالطة فانها مطبوعة جدا آیة الحل عسرة المنع و الله اعلم بالصواب». همان طور که در بالای نسخه آمده: «هذه النکات صتفها مولانا ملک الحکماء، أفضل المتأخرین، سلطان المحققین، نصیر المله والدین الکاشی تغمّد الله بالرحمة والرضوان. [بنگرید: تصویر شماره ۲]

این نسخه همان النکات نصیرالدین کاشی است که در کتابخانه گلیپایگانی با شماره ۶۸۷۹/۱۴-۳۵/۵۹ موجود است. البته این نسخه بدون آغاز و بلافاصله از نکات و مسائل شروع شده است و مقدمه‌های ذکرشده از دیگر نسخ را ندارد.

در همین جا<sup>۱۶</sup> نسخه دیگری گزارش شده که متعلق به کتابخانه روضاتی در اصفهان است. این نسخه بدون شماره و آغاز و انجام آن برابر است. دور از ذهن نیست که این نسخه، نسخه دیگری از النکات باشد. این نسخه هنوز در دسترس نیست، اما معلوم نیست چرا در فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران<sup>۱۷</sup> (دنا) ویراست دوم، نسخه کتابخانه روضاتی حذف شده است.

نسخه‌ای دیگر از این رساله در کتابخانه مؤسسه عالی پیشرفته پرینستون وجود دارد که تصویر آن موجود نیست. شماره یا اطلاعات دیگری از این نسخه در اختیار بنده نیست.<sup>۱۸</sup> با این توصیفات از رساله النکات به جز نسخه مرحوم روضاتی، چهار نسخه در دسترس است که به آنها اشاره شد.

این رساله اولین بار از طرف عتبه علویه بر اساس نسخه خزانه غرویه و با تحقیق و تعلیق «شیخ سلام محمد الناصری» در ۸۸ صفحه، در سال ۱۴۳۸ق چاپ شده است. بر خلاف ادعای محقق این اثر در مقدمه که این رساله منحصر به فرد بوده و از مختصات خزانه غرویه بوده،<sup>۱۹</sup> مشخص شد که این طور نیست. این رساله برای بار دوم از سوی مرکز علامه حلی در مجله المحقق با تحقیق آقای جواد الورد در

۱۶. فنخا، ج ۱، ص ۷۶۸.

۱۷. دنا، ج ۱، ص ۳۷۹.

۱۸. اطلاع از وجود این نسخه را استاد عزیز جناب آقای دکتر حسن انصاری در اختیار بنده قرار دادند.

۱۹. النکات، ص ۲۴.

سال ۱۴۴۳ق بر اساس دو نسخه خزانه غرویه و گلپایگانی چاپ شده است. این ویراست از نکات دارای اشکالاتی است که فعلاً مجال پرداختن به آن نیست.<sup>۲۰</sup>

## ۲. حاشیه تسدید (تشیید) القواعد فی شرح تجرید العقائد

نصیرالدین کاشانی بر شرح تجرید الاعتقاد خواجه نصیرالدین طوسی که با قلم شمس الدین محمود اصفهانی (۷۴۹ق) نوشته و به تسدید القواعد موسوم و به «شرح قدیم» مشهور شده است، حواشی ارزشمندی نگاشته است. قاضی نورالله شوشتری در وصف این حواشی گفته است:

از جمله مصتفات او حاشیه شرح تجرید اصفهانی است که مشتمل بر اعلی مراتب تدقیق است و فی الحقیقه ماده حاشیه است که میرسید شریف بعد از آن شرح نوشته، همان است.<sup>۲۱</sup>

محقق گرامی آقای عطایی نظری اذعان می‌کند از این حاشیه نسخه‌ای را نمی‌شناسد. در اینجا می‌خواهیم به معرفی دو نسخه از این اثر بپردازیم.<sup>۲۲</sup>

در فهرست فنخا<sup>۲۳</sup> دو نسخه با نام حاشیه بر تسدید القواعد فی شرح تجرید العقائد به این صورت معرفی شده است:

حاشیه‌ای است با عناوین «قوله، قوله» بر شرح اصفهانی بر تجرید الاعتقاد. محشی از فضلی امامیه است. در منابع از این حاشیه اطلاعی به دست نیامد.

نسخه اول مربوط است به کتابخانه مجلس با شماره ۱۵۸۲۹ که به صورت مجموعه است. این مجموعه دارای دو رساله است. رساله اول کتاب تسدید القواعد فی شرح تجرید العقائد است. روی برگ دوم این نسخه این طور آمده است:

کتاب تشیید القواعد فی شرح تجرید العقائد للفاضل المتکلم شمس الدین محمود بن عبدالرحمن بن احمد الاصفهانی المتوفی سنة ۷۴۶ق مع التعليقات علیه تاریخ کتابتها سنة ۷۴۹ق.

تاریخ کتابت این بخش از نسخه برابر است با نهم صفر سال ۷۴۹ق، اما رساله دوم این مجموعه که از برگ ۸۳ شروع می‌شود، مربوط است به حواشی نصیرالدین کاشانی. روی برگ ۸۳ این طور آمده است: «التعليقات؛ التعليقات علی شرح تجرید العقائد». با خط ریزتری بالای صفحه نوشته شده است:

۲۰. مهم‌ترین اشکال این ویراست این است که معلوم نیست بر اساس کدام نسخه کار شده است. عکس نسخه استفاده شده به عنوان نکات مربوط به شرح نکات است که اصلاً متن نکات را ندارد.

۲۱. نگرشی بر نگارش‌های کلامی (۸)، نصیرالدین کاشانی و نگاشته‌های کلامی او، شماره ۱۶۴، خرداد و تیرماه ۱۳۹۶.

۲۲. از جناب آقای حسن قاسمی مسئول کتابخانه خطی مدرسه سپهسالار که راهنمایی‌های ایشان باعث مسجل شدن این فرضیه شد، تشکر می‌کنم.

۲۳. فنخا، ج ۱۱، ص ۴۸۴.

«الذي يظهر من تلك الحواشي أنّ مؤلفها كان من فضلاء الإمامية رضي الله عنهم». همچنین در پایین صفحه این طور آمده است:

این حواشی بر شرح قدیم بسیار نافع و عزیز الوجود است و چون کاتب از اهل علم بوده است از غلط مصونست. [بنگرید: تصویر شماره ۳]

تاریخ کتابت این تعلیقات و حواشی همان طور که در انجامه آن آمده<sup>۲۴</sup> برابر است با ربیع‌الاول سال ۷۴۹ق. چنان‌که می‌دانیم تمامی تألیفات نصیرالدین کاشی به صورت: «قوله. أقول» یا «قوله. قلت» است.<sup>۲۵</sup> این تعلیقات به همین روش تصنیف شده است.

علاوه بر این می‌دانیم شمس‌الدین اصفهانی کتاب تسدید القواعد را قبل از سال ۷۲۴ق در تبریز تألیف کرده است.<sup>۲۶</sup> میرسید شریف (۷۴۰-۸۱۶ق) جزء اولین حاشیه‌نویس‌های اهل سنت بود که بر تسدید القواعد تعلیقه زد. بین سال‌های ۷۲۴ق تا ۷۴۹ق که زمان کتابت این تعلیقات است، به جز نصیرالدین کاشی از امامیه کسی بر تسدید القواعد شمس‌الدین اصفهانی حاشیه و تعلیقه نزنده است.

برای اینکه بتوان با قطعیت ثابت کرد که نسخه ۱۵۸۲۹/۲ تعلیقات نصیرالدین کاشی بر تسدید القواعد است، به فهرست فنخا<sup>۲۷</sup> رجوع شد و نسخه‌هایی از تسدید القواعد را که داری حواشی و تعلیقات بودند تا حد وسع و امکان تهیه شد. برای نمونه اطلاعات دو نسخه بیان می‌شود:

۱. مربوط به کتابخانه مروی به شماره ۸۳۲ است. این نسخه که دارای حاشیه‌های مختصری بود، با دقت مطالعه شد. در بین این حاشیه‌های مختصر، دو حاشیه با امضای «حلی»، یکی در صفحه ۵۰ و دیگری در صفحه ۵۲ نسخه داشت. بعد از بررسی این دو حاشیه با حواشی نسخه ۱۵۸۲۹ مشخص شد که این حواشی یکی هستند. این نشان‌دهنده آن است که تعلیقات نسخه مجلس، همان حواشی نصیرالدین کاشی است. [بنگرید: تصویر شماره ۴]

۲. نسخه شماره ۳۹۶۲ کتابخانه مجلس است. این نسخه نیز دارای حواشی با امضای «حلی» است. این حواشی نیز با نسخه ۱۵۸۲۹ مقایسه شد و به یکی بودن آنها رسیدیم. تفاوتی که در اینجا وجود داشت این بود که نسخه ۳۹۶۲ برخی عبارات صاحب تسدید القواعد را شرح داده که در نسخه ۱۵۸۲۹ موجود نیست. این شاید به دلیل اختلاف نسخه‌ها یا ویراست دومی از شرح نصیرالدین بر تسدید القواعد باشد که به تحقیق و پژوهش بیشتر و نیز در اختیار داشتن تمامی حواشی کتاب تسدید القواعد نیاز است. [بنگرید: تصویر شماره ۵]

۲۴. انجامه نسخه این طور است: «تمت الحاشية بحمد الله ومته في الثالث عشر من ربيع الأول سنة ۷۴۹».

۲۵. رجوع شود به نسخه‌هایی که در ادامه معرفی می‌شود.

۲۶. تسدید القواعد فی شرح تجرید العقائد، ج ۱، ص ۱۱۶.

۲۷. فنخا، ج ۸، ص ۱۹۰-۱۹۳.

نسخه دوم متعلق است به کتابخانه سپهسالار با شماره ۶۳۹۰. گزارش فنخا<sup>۲۸</sup> درباره این نسخه به این صورت است:

انتهای نسخه همخوان با نسخه ۱۵۸۲۹/۲ مجلس است که به نام حاشیه شرح التجرید القدیم معرفی شده است.

چنان‌که بیان شد، این نسخه نیز متعلق به نصیرالدین کاشانی است.

نکته قابل توجه این است که این دو نسخه به صورت مجزا بود و به صورت حاشیه بر متن نیستند. می‌توان با جمع‌کردن کلیه نسخه‌هایی که دارای حواشی بر کتاب تسدید القواعد هستند، یک متن کامل از «تعلیقات» نصیرالدین بر تسدید القواعد به دست آورد.<sup>۲۹</sup>

### ۳. شرح طالع الانوار

کتاب طوابع الأنوار من مطالع الانظار از جمله متون جامع و مختصر علم کلام در گرایش اشاعره است. این کتاب به دلیل اهمیتش دارای شروح و حواشی بسیاری است. نصیرالدین کاشانی نیز بر این اثر شرحی با عنوان شرح الطوابع نگاشته است.<sup>۳۰</sup> صاحب الذریعه گزارش دو نسخه از این شرح را ارائه داده است:<sup>۳۱</sup>

نسخه اول را که آقابرگ آن را دیده، متعلق به خزانه غروییه است. این نسخه به گفته وی جزء تملکات جلال‌الدین عبدالله بن شرفشاه حسینی شاگرد نصیرالدین بوده است که الان در خزانه غروییه موجود نیست. نسخه‌ای از یک شرح دیگر بر طوابع الانوار قاضی بیضاوی در خزانه غروییه با شماره ۹۹۸ هم اکنون موجود است که نویسنده آن ظاهراً عالمی امامی هم عصر نصیرالدین کاشانی است. متأسفانه چون نسخه از آغاز و انجام افتادگی دارد، نام شرح و اسم شارح و کاتب آن مشخص نیست. نویسنده در یک موضع، ذکر خیری از کاشانی کرده است که نقل آن در اینجا خالی از لطف نیست. در مبحث نفی اتحاد خداوند با دیگر اشیا که در زمره صفات سلبیه خداوند بحث می‌شود، برهانی معروف اقامه شده که در بیشتر کتب فلسفی و کلامی مسطور است و مقبول متکلمان نیز قرار گرفته است. شارح مزبور بر این برهان اشکالی وارد کرده که آن را حاصل ذوق خویش و لطف خداوند بر خودش دانسته است. سپس آورده که این اشکال را «کاشی» از او شنیده و [احتمالاً بدون یادکرد از صاحب آن] در بعضی از تصانیفش ذکر کرده است:

۲۸. فنخا، ج ۱۱، ص ۴۸۴.

۲۹. این پژوهش اکنون در مرکز علامه حلی وابسته به عتبه حسینییه در حال انجام است.

۳۰. مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۲۱۶؛ الذریعه، ج ۱۳، ص ۳۶۵؛ ریاض العلماء، ج ۴، ص ۱۸۱.

۳۱. الذریعه، ج ۱۳، ص ۳۶۵.



أقول: البحث الثالث في نفي اتحاد الله. تعالى. بغيره و نفي حلوله في غيره. أما الأول، أي: نفي الاتحاد فلائنه. تعالى. لو اتحد بغيره فإن بقيا موجودين فهما بعد إثنان لا واحد و إن لم يبقيا موجودين لم يتحد أيضاً لأنه إن عدم كل منهما و وجد ثالث فظاهر و إن عدم أحدهما و بقي الآخر فكذلك؛ لأنَّ المعدوم لا يتحد بالموجود و فيه نظر؛ لأنَّ المراد بقوله: «المتحدان بعد الاتحاد إن بقيا موجودين أو لا» هو: أنَّ ماهيتهما موجودة أم لا فتحتاج (؟) ذلك قوله: «فهما بعد إثنان لا واحد» قلنا: لا يلزم ذلك و إنما يلزم ذلك إن كان تشخص كل منهما باقياً و هو ممنوع أو أنَّ تشخص كل منهما باق أم؟ (متجدد؟) لأنَّ تشخصهما غير باق و لا يلزم من ذلك عدم كل منهما و وجود ثالث و إنما يلزم ذلك ان لو لم يكن ماهية كل منهما باقية و هذا السؤال من نتائج قريحه [كذا: قريحته] والذي اسبغ الله على و قد سمع منه الكاشي و أثبتته في بعض تصانيفه. (برگ ۳ ب)

به احتمال زیاد منظور از «کاشی» همان نصیرالدین کاشی است؛ چراکه اشکال پیش گفته (با اندکی تفاوت در تعبیر) در حاشیه وی بر معارج الفهم علامه حلی مشاهده می‌شود:

قلت: إنما يكونان اثنين أن لو لم تتحد التعيينان أيضاً والوجودان، لكتنه ممنوع.

چنان‌که گفتیم، شرح نگاری کاشی بر طوابع الانوار بیضاوی حکایت از تبحر وی در کلام اشاعره دارد. این امر از طریق دیگری نیز قابل تأیید است. بر اساس گزارش‌ها، نصیرالدین کاشانی به تدریس دیگر کتاب مهم بیضاوی در کلام اشعری، یعنی مصباح الأرواح اشتغال داشته و شمس‌الدین محمد بن صدقه حلی این کتاب را به طور کامل نزد او خوانده بوده است. در پشت نسخه‌ای از مصباح الأرواح که در خزانه غرویّه موجود بوده، یک گواهی قرائت به خط نصیرالدین کاشانی با این مضمون نوشته شده که شمس‌الدین محمد بن صدقه حلی کل این کتاب را در مجالسی که آخرین آنها در تاریخ پنجم جمادی‌الاولی سال ۷۲۵ هجری قمری بوده، نزد وی خوانده است:

وجد علي ظهر كتاب مصباح الأرواح تصنيف ناصرالدین عبد الله بن عمر البيضاوي الموجود منه نسخة في الخزانة الغروية ما صورته: وجدت انها بخط مولانا الأعظم الامام المعظم نصير الملة والحق والدین القاشي أدام الله أيامه انهي قراءة هذا الكتاب من اوله إلى اخره وبحثه وتفحص عن مشكلاته و تحقق معضلاته الأخ في الله الشيخ الصالح الفقيه العالم شمس الدين محمد بن صدقة نفع الله به وبأمثاله وأوصله إلى رتب كماله في مجالس آخرها خامس جمادي الأولى سنة ۷۲۵ وكتب أفقر العباد إلى الله تعالى علي بن محمد القاشي عرفه الله عيوب نفسه وجعل يومه خيرا له من أمسه حامداً مصلياً مسلماً. ۳۲

نسخه دوم متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی است. با رجوع به فتخا یا دنا با ویراست جدید، هیچ

گونه اثری با عنوان شرح طوابع از نصیرالدین کاشی مشاهده نمی‌شود. با آنکه برخی از تراجم‌نگاران<sup>۳۳</sup> نصیرالدین را شارح مطالع الانظار فی شرح طوابع اثر شمس‌الدین اصفهانی دانسته‌اند، اثری از این نسخه در ایران گزارش نشده است.

با این وصف، در بررسی نسخ کتابخانه‌های ترکیه، نسخه‌ای با شماره ۱۱۶۷ مربوط به کتابخانه جاراالله از شرح طوابع نصیرالدین کاشانی پیدا شد. این نسخه دارای ۱۲۲ برگ است. روی برگ اول با خط قمرزنگ نوشته شده: «نصیرالدین الحلی علی الطوابع» که به نظر می‌رسد کلمه «حاشیه» یا «حواشی» آن پاک شده است. در جای دیگر همین برگه نوشته شده است: «شرح نصیرالدین حلی للطوابع». پشت برگ اول قبل از شروع شرح نوشته شده است: «مؤلف هذا الكتاب من رؤساء المعتزلة». این تعبیر بر روی کتابی با گرایش امامیه و در فضای اهل سنت دور از ذهن نیست. آغاز نسخه این گونه است:

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآله أجمعين. وبعد؛ فهذه حواشي علي الطوابع، علقها المولى الفاضل والمحقق الكامل، نصير الملة والدّين الحليّ حلّه خلد الله فراديس الجنان وتعمّده بالرحمة والغفران.

کاتب یا صاحب نسخه روی عبارت: «خلد الله فراديس الجنان وتعمّده بالرحمة والغفران» خط کشیده است. [بنگرید: تصویر شماره ۶]

شیوه این شرح همچون کارهای دیگر نصیرالدین به صورت «قوله قوله» است. این شرح از جمله شروح مفصل نصیرالدین شمرده می‌شود. انجامه نسخه نیز به این صورت است:

قد اتفق الفراغ من كتابة هذا الكتاب بعون الملك الوهاب، للعبد الراجي رحمة ربه الماجد، محمد بن أحمد بن محمد بن أحمد، بهامية شيراز صانها الله عن الإعواز، غرة رجب المندرج تحت سنة ۸۳۷، حامداً لله تعالى ومصلياً على نبيّه [...] صلى الله عليه وآله.

با توجه به اتمام استنساخ این نسخه<sup>۳۴</sup> و مراجعه به نسخ معرفی شده در فنخا<sup>۳۵</sup> ذیل کتاب طوابع الانوار، نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه مجلس با شماره ۱۰۴۷۲ دارای حواشی معرفی شده بود. این نسخه انجامه نداشت و به نظر چند برگ از انتهای آن ناقص است. با وجود این تا پایان نسخه حواشی ادامه دارد. با رجوع به این حواشی و مقایسه با شرح الطوابع نصیرالدین متوجه می‌شویم که حاشیه‌هایی با رمز یا امضای «ص» با متن استنساخ شده از شرح الطوابع مطابقت دارد. [بنگرید: تصویر شماره ۷]

از این رو می‌توان ادعا کرد دست‌کم دو نسخه از شرح الطوابع نصیرالدین موجود است. شاید بتوان

۳۳. ریحانة الادب، ج ۶، ص ۱۸۹.

۳۴. کتاب شرح الطوابع از سوی مرکز علامه حلی در مرحله تحقیق و تصحیح قرار دارد.

۳۵. فنخا، ج ۲۲، ص ۲۸۱.

با مطالعه نسخه‌های طوابع الانوار معرفی شده در فنخا که دارای حاشیه است، نسخه‌های بیشتری از شرح الطوابع نصیرالدین پیدا کرد.

#### ۴. حاشیه شرح شمسیه

الرسالة الشمسية عنوان کتابی است از نجم‌الدین کاتبی قزوینی (۶۷۵ق) در فن منطقی که به صورت مختصر و موجز به بیان دیدگاه‌های مؤلف پرداخته است. این شیوه سبب شد تا اندیشمندان بعد از کاتبی به شرح و تفسیر این رساله بپردازند. از جمله مهم‌ترین این شرح کتاب تحریر القواعد المنطقية فی شرح الرسالة الشمسية قطب‌الدین رازی (۷۶۶ق) است. نصیرالدین کاشانی بر این شرح حواشی مختصری نگاشته است.<sup>۳۶</sup> قاضی نورالله شوشتری در باب حواشی کاشانی بر تحریر القواعد المنطقية اظهار داشته است:

مجرد اعتراضات و تدقیقات است وسیدالمحققین (قدس سره الشریف) در حاشیه خود متصدی دفع بعضی از آن گردیده.<sup>۳۷</sup>

چنان‌که در دو تألیف قبل نیز بیان شد، سیدمیر شریف جرجانی همچون نصیرالدین کاشانی بر کتاب‌های طوابع الانوار، تسدید القواعد فی شرح تجرید العقاید و تحریر القواعد المنطقية حاشیه زده است. بن‌مایه هر سه کتاب به گفته صاحب مجالس المؤمنین<sup>۳۸</sup> نکات و مطالب نصیرالدین کاشانی است. حاشیه‌های میرسید شریف بر شرح شمسیه در چاپ تحریر القواعد المنطقية فی شرح الرسالة الشمسية مرحوم بیدارفر به چاپ رسیده است. حاشیه‌های همو بر تسدید القواعد نیز به تازگی در ترکیه چاپ شده که هنوز در دسترس نیست، اما حاشیه‌های میرسید شریف بر طوابع هنوز چاپ نشده است. بررسی این موارد می‌تواند در درک ما از استفاده میرسید شریف از آرای نصیرالدین و نیز قوت و ضعف استدلال‌های هر کدام مؤثر باشد.

محقق گران قدر جناب آقای عطایی نظری درباره این تألیف نیز اطلاع خاصی نداشت.<sup>۳۹</sup> با رجوع به فهرست فنخا<sup>۴۰</sup> دو نسخه از این حاشیه معرفی شده است:

نسخه اول با شماره ۴۱۱۳/۳ متعلق به کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی (ره) است. آغاز این نسخه به این صورت است:

هذه حواشی من فوائد الاستاد والعلامة نصیر الملة والدين القاشاني علی شرح الشمسية لمولانا قطب

۳۶. مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۲۱۶؛ ریاض العلماء، ج ۴، ص ۱۷۶؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۸، ص ۱۶۰.

۳۷. نگرشی بر نگارش‌های کلامی (۸)، نصیرالدین کاشانی و نگاشته‌های کلامی او، شماره ۱۶۴، خرداد و تیرماه ۱۳۹۶.

۳۸. مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۲۱۶.

۳۹. همان‌جا.

۴۰. فنخا، ج ۱۱، ص ۴۲۵-۴۲۶.

الدین نور الله ضریحهما.

این نسخه به دست لطف الله بن عبد الفتاح الوافی به تاریخ سه شنبه نیمه رجب سال ۸۴۵ ق در شهر سمرقند خانقاه خواجه عبدالاول کتابت شده است.<sup>۴۱</sup> این نسخه در چند برگ اول دارای حاشیه است. [بنگرید: تصویر شماره ۸]

نسخه دوم همچون نسخه اول در کتابخانه آیت الله مرعشی با شماره ۷۳۰۳/۲ نگهداری می‌شود. تاریخ کتابت آن در سال ۱۲۵۳ ق در ۴۶ برگ است. با مشاهده نسخه متوجه می‌شویم اطلاعات فنخا در این زمینه مخدوش است؛ چراکه این شماره نسخه با حاشیه میرسید شریف جرجانی بر تحریر القواعد المنطقیه قطب رازی یکی است. اینکه رساله‌های دیگر این مجموعه برای نصیرالدین بوده که اکنون در دسترس نیست یا اساساً فهرست‌نگاری از این نسخه اشتباه بوده، به تحقیق بیشتری نیاز دارد.

نسخه دیگری از حاشیه تحریر القواعد المنطقیه وجود دارد که در ضمن مجموعه‌ای متعلق به کتابخانه ملک عبدالعزیز واقع در ریاض با شماره ۱۲۳۸/۲ است.<sup>۴۲</sup> آغاز نسخه به این صورت است: هذه فواد الأستاذ العلامة نصیر الملة والدين القاشي نور الله ضریحه علی شرح الشمسية لمولانا قطب‌الدین.

این نسخه بدون ذکر کاتب و تاریخ است. این نسخه هم اکنون از طرف مرکز علامه حلی در حال تحقیق و تصحیح است.

### تعلیقات بر حواشی شرح اشارات

از دیگر آثار نصیرالدین کاشانی تعلیقات او بر حواشی شرح خواجه نصیرالدین طوسی بر الاشارات و التنبیهاات ابن سیناست. قاضی نورالله شوشتری او را صاحب «حواشی کنار کتابی بر شرح [اشارات]» دانسته است.<sup>۴۳</sup> محقق گران قدر جناب آقای عطایی نظری اصطلاح «کنار کتابی» را نشانگر آن دانسته که این حواشی به صورت مستقل نوشته و مدون نشده بودند.<sup>۴۴</sup> این توضیح از آن نظر درست است که در هیچ کدام از نسخه‌های موجود از این تعلیقات، اثری از خطبه و آغاز نیست. به این دلیل که حواشی به صورت مستقل تألیف نشده است. به نظر می‌رسد یکی از شاگردان، این تعلیقات را جمع‌آوری کرده و به صورت اثری مستقل در دسترس قرار داده است.

اما صاحب ریاض او را در معرفی این اثر از نصیرالدین این گونه آورده است: «وله أيضاً تعلیقات علی

۴۱. همان جا.

۴۲. از دوست عزیز که این نسخه را در اختیار بنده قرار داد و نام او را فراموش کرده‌ام، کمال تشکر دارم.

۴۳. مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۲۱۶.

۴۴. نگریش بر نگارش‌های کلامی (۸)، نصیرالدین کاشانی و نگاه‌های کلامی او، شماره ۱۶۴، خرداد و تیرماه ۱۳۹۶.

هوامش شرح الاشارات» که با آنچه قاضی نقل کرده تفاوت دارد. مرحوم سید حسن صدر نیز همچون قاضی نورالله از این نگاه‌اشته با عنوان التعليقات علی شرح الاشارات نام برده است. شیخ آقابزرگ از این اثر، ذیل حواشی نگاشته شده بر شرح اشارات خواجه نصیرالدین طوسی یاد کرده است. از این تعليقات اطلاع بیشتری در دست نیست.<sup>۴۵</sup>

با توجه به پیدا شدن چندین نسخه از این تعليقات، به راحتی می‌توان روش نصیرالدین در این اثر را یافت. همان طور که آقای عطایی اشاره کرده، در منابع اختلاف است که این اثر تعليقات علی هوامش شرح الاشارات است، چنان‌که صاحب ریاض فرمود یا التعليقات علی شرح الاشارات، چنان‌که قاضی نورالله شوشتری، شیخ آقابزرگ و سید حسن صدر بیان کرده‌اند. روش کاشانی در این اثر این گونه است که بعد از ذکر مطالبی از شرح اشارات به صورت «قوله»، به توضیح و تبیین متن می‌پردازد، اما نکته مهم این است که وی برای توضیحات و تبیین خود از شروح و حواشی‌ای که نزد وی موجود بوده، بهره برده و در آخر به رسم امانت نام شارح یا حاشیه‌نویس را به صورت رمز بیان کرده است. ضمناً مواردی نیز از نزد خود شرح و توضیح داده است. با این توصیفات، هر دو گروه از تراجم‌نویسان به درستی مطالب خود را درباره این اثر بیان کرده‌اند. با اینکه راقم سطور نظر صاحب ریاض را به دلیل نقل قول‌های فراوان به ثواب نزدیک‌تر می‌داند.

نکته مهم در بیان این طریق از تعليقات این است که کسانی چون نصیرالدین به دلیل در اختیار داشتن منابع و شروح قدما مطالب آنها در آثار خود بیان می‌کردند. این ویژگی سبب شده تا آثاری از علما و اندیشمندی که در لابه‌لای حوادث تاریخی یا از بین رفته‌اند یا بدون اسم و عنوان در کتابخانه‌های دنیا مهجور افتاده‌اند، بازسازی یا شناسایی شوند. نصیرالدین در این اثر به جز تألیفاتی که در متن خود به صورت مستقیم از آنها نقل کرده، همچون شفاء، قانون، شرح اشارات نخجوانی، شرح اشارات فخرالدین رازی، منطق المشرقیین، مطالع الانوار فی المنطق و البصائر النصیریة، به صورت رمز نیز از بزرگانی چون قطب‌الدین شیرازی با رمز «قه» و علامه حلی با رمز «ط»<sup>۴۶</sup> نام برده است. رموزی چون «ف»، «ح»، «ز»، «م»، «س»، «ح»، «ح»، «ق» و «ز» هم در این اثر وجود دارد که سزاوار است با شروح و حواشی منتشرشده از شرح اشارات تطبیق داد تا مؤلف آنها مشخص شود.

در میان این حواشی، حواشی با رمز «ط» بیشتر مورد توجه است؛ زیرا تا آنجا که می‌دانیم، از علامه حلی کتاب المحاکمات بین شرح الاشارات بخش منطق و نمط اول و دوم آن باقی مانده و از بخش باقی مانده «المحاكمات» خبری نیست. شاید بتوان با بررسی این شرح از نصیرالدین کاشی و مرتب کردن آن بر اساس حرف «ط» بازسازی باقی مانده بخش طبیعیات و الاهیات را انجام داد.<sup>۴۷</sup>

۴۵. همان‌جا.

۴۶. رمز «ط» به دلیل شهرت علامه حلی به «ابن مطهر» بوده است.

۴۷. از استاد عزیزم جناب آقای رحیمی‌ریسه بابت راهنمایی‌ها و در اختیار قراردادن این اطلاعات کمال تشکر دارم.

در ادامه به معرفی نسخه‌های دستیاب شده از این اثر می‌پردازیم:

نسخه اول متعلق است به کتابخانه چستریتی با شماره ۵۰۱۱. بر روی برگ ۳ آمده است: «حاشیه المولی نصیر الملة والدين الحلي على شرح الاشارات للمولا الطوسي». در پشت برگ ۲ کلام قاضی نورالله شوشتری در مجالس المؤمنین درباره نصیرالدین به طور کامل ذکر شده است. آغاز نسخه این طور آمده است:

قوله قال الشيخ هذه إشارات إلى أصول: أقول لما كان معظم الغرض من الأصول فروعها ومن الجمل تفصيلها وكان التفریع محوجاً إلى نظر وتجشّم كسب بخلاف التفصيل كما تقرّر في أول الكتاب ناسب الإشارات الأصول والتنبيهات الجمل.<sup>۴۸</sup> این نسخه از بخش طبیعیات شرح اشارات موجود است. نکته مهم در این نسخه این است که در انجامه آن نام نصیرالدین و تاریخ کتابت نسخه که یک سال بعد از رحلت مؤلف است، آمده:

وقع الفراغ من تحرير الحواشي للعالم الفاضل المحقق المدقق نصير الملة والدين الحلي طاب ثراه ضحوة يوم الخميس الثامن عشر من شهر شوال من شهر سنة ست وخمسين وسبعمئة والحمد لله وحده والصلوة على محمد وأهل بيته الطاهرين وسلم تسليماً كثيراً. [بنگرید: تصویر شماره ۹]

نسخه دوم متعلق است به کتابخانه دانشگاه تهران با شماره ۲۴۳۰. گزارش فنخا درباره این نسخه چنین است:

حاشیه شرح اشارات غیر همانند حاشیه‌ای است بر حل مشکلات اشارات طوسی و گویا محشی می‌خواهد حاشیه‌های پراکنده‌ای را که بر اشارت و شرح آن نوشته شده یکجا گرد کند و مطالب کتاب‌های دیگری را به مناسبت بیاورد. این است که در دنبال بسیاری از بندهای آن رمزهای «شیخ، قه، ط، ح، امام، نخجوانی، ز، فیه نظر، ف، نحیح، ابن کمونه، مباحث، صحاح، شفاء، م، س» آمده است.<sup>۴۹</sup>

این حاشیه همان طور که بیان شد، بدون نام و در ۱۱۰ برگ بوده و از اول تا آخر شرح اشارات را دارد. آغاز نسخه به این صورت است:

قوله وأصدق العلم؛ [قلت] فيه بحثان إن أراد بالأصدق الأقوى [...] صحيح؛ لأن الصدق لا يحتمل التفاوت والاختلاف، فإن العلم أن طابق ما في نفس الأمر فهو صادق وإلا فهو كاذب والمطابقة لا تفاوت فيها بالقوة والضعف [...] وإن أراد الصادق منها [...] لزم منه أن لا يكون ما في العلم كاذباً وهو باطل

۴۸. روی کلمه «الجمل» حرف رمز «ر» آمده است.

۴۹. فنخا، ج ۱۱، ص ۸۷۱.

۵۰. در نسخه بالای کلمه «أصدق» حرف رمز «ر» است.

الثاني جعله التصورات [...] بالمعارف موصوفة بالمطابقة وقد صرح المصنف في تلخيص المحصل فإن التصورات لا توصف بصدق ولا كذب ولا مطابقة وعدمها وإنما الموصوف بذلك هو الأحكام ويمكن الجواب عن الأول بأن المراد الثاني وقصد بها المبالغة كقوله تعالى إنما المؤمنون الذين إذا ذكر الله وجلت قلوبهم فإنه لما كانت أدلته في غاية المتانة [...] قد صار غيره بالنسبة إليه عدماً لا وجود له وعن الثاني أن التصور بحسب الاسم عارٍ عن الحكم فلا يوصف بالأمور المذكورة. أما التصور بحسب الذات فلا يخلو عن الحكم فيوصف بها وسيجيء هذا البحث عن قريب. قوله هو المعارف الحقيقية والعلوم اليقينية: [قلت] أي التصورات المطابقة.

آغاز این نسخه و توضیحات نصیرالدین بر عبارات خواجه، با تمامی نسخه‌های در دسترس او متفاوت است. نسخه‌هایی که از بخش منطق شروع شده‌اند، همگی از دومین عبارت «قوله»، یعنی: «قوله هو المعارف الحقيقية والعلوم اليقينية» شروع شده است.

انجامه نسخه فوق به این صورت است:

وقد اتفق الفراغ من نسخه [...] يوم الجمعة وقت العصر الخامس من شهر الله المعظم رجب [...] المورخ سنة ۷۷۷ الهجري على يد العبد الواثق بالله منصور بن محمد الشيرازي أحسن الله عواقبهما بمدينة أصفهان.

نسخه سوم متعلق به کتابخانه جاراالله در ترکیه با شماره ۱۲۸۲ است. بر روی برگ اول نسخه عبارت: «حواشی شرح الاشارات النصرية» با رنگ قرمز نوشته شده است. بالاتر از همین نوشته، عبارت: «حاشية شرح الاشارات من أوله إلى آخر الكتاب مجتمعة من الحواشی» درج شده است. [بنگرید: تصویر شماره ۱۰]

نسخه با عبارت: «قوله هو المعارف الحقيقية» [قلت] أي التصورات المطابقة» شروع شده است. پایان بخش منطق آمده است:

تم النهج العاشر، والحمد لله على التوفيق، علّقه على سبيل الاستعجال أضعف خلق الله تعالى وأحوجهم إلى رحمة ربّه الفعال [...] في منتصف رمضان المبارك سنة ستّ وخمسين سبعمائة حامداً مصلياً.

این نسخه نیز همچون نسخه اول یک سال بعد از رحلت نصیرالدین کتابت شده است. بخش طبیعیات و الهیات این حواشی با خط‌های مختلف و کاغذ متفاوت از بخش منطق نگاشته شده و انجامه آن چنین است:

تمت الحواشی بحمد الله تعالى وحسن توفيقه وقت الضحى يوم الاثنين في أواخر شهر الله الأصم رجب

سنة ثمان وخمسين وسبعمائة حامداً ومصلياً على خير خلقه محمد وآله أجمعين الطيبين والظاهرين وأصحابه [...].

نسخه چهارم نیز متعلق است به کتابخانه جاراالله با شماره ۱۳۱۲. این نسخه دارای دو رساله است. رساله اول حاشیه شرح اشارات محمد بن اسعد بن محمد الیمانی معروف به بیدر التستری است،<sup>۵۱</sup> اما رساله دوم که از برگ ۹۱ شروع شده، بخش منطق را ندارد و از طبیعیات شرح اشارات شروع شده است. بر روی همین برگ نوشته شده است: «شرح شرح الاشارات للطوسی للحلی نصیرالدین بخط خواجگی الخبوشانی». نسخه با عبارت: «[قوله] قال الشيخ هذه اشارات إلى اصول وتنبیها على جمل؛ لما كان معظم الغرض من الأصول فروعها...» شروع شده و با عبارت: «وقع الفراغ من كتابة الحواشی ضحوة يوم الأربعاء والرابع والعشرين من الشهر المبارك رجب لسنة احدى وستين وسبعمائة على يدي أضعف عباد الله وأحوجهم إلى غفرانه المعترف بذنوبه [...] محمد بن محمد الخبوشانی» تمام شده است. [بنگرید: تصویر شماره ۱۱]

نسخه پنجم نیز برای کتابخانه جاراالله با شماره ۱۳۰۳ است. این نسخه نیز به صورت مجموعه و رساله سوم آن مربوط به نصیرالدین کاشانی است. روی برگ ۶۳ آن نوشته شده است:

حاشیه على شرح الإشارات للمحقق الطوسی مجموعة من أطراف الشرح [...] الحلی أي أخیر الشرح. [بنگرید: تصویر شماره ۱۲]

شروع این نسخه که از بخش منطق است:

قوله إن أكمل المعارف: [قلت] إشارة إلى التصوّرات المطابقة؛ قوله وأصدق العلوم: [قلت] أي التصديقات الجازمة الثابتة المطابقة.

پایان بخش منطق این عبارت آمده است:

قوله ولم يذكر في المعنوية الغالب أنه لم يكن في المتن في الأول في نسخة المصنّف وقد وجد في غير نسخة والله اعلم.

بخش طبیعیات و الهیات تا پایان نمط پنجم ادامه دارد و از اینجا به بعد ناقص است. عبارت پایانی نسخه به این شکل است:

قوله: أو كان هذا الحادث محتاجاً: [أقول] لأنّ مذهبهم أي قبل حدوث جميع الحوادث بل والعالم بأجمعه وقت مقدّر تقدّم الواجب به على جميع الموجودات ويحصل به كون العالم حادثاً زمانياً، فإن



كان مرادهم أنّ هناك وقت [بأ] مقدّر [أ] يقتضي بعده موجودات غير متناهية بين ذلك الوقت وبين الموجود فهو مصادرة لاستعمالهم ذلك المذهب في إثبات نفسه.

نسخه ششم متعلق به کتابخانه توپکاپی مجموعه احمد ثالث با شماره ۳۲۳۰ است.<sup>۵۲</sup> این نسخ کامل است و از ابتدای منطق تا انتهای نمط دهم را دارد. پشت جلد داخل کتیبه این عبارت آمده است:

برسم مطالعه السلطان الأعظم والخاقان الأفخم السلطان بن السلطان، السلطان محمد خان بن مرادخان  
خلّد الله تعالی خلفته.

روی برگ اول داخل کتیبه این طور نوشته شده است:

هذه حواشي على شرح الاشارات النصيرية تأليف العالم الفاضل النحرير الكامل مولانا نصيرالدين  
الحلي رحمه القادر الغني.

بالای همین کتیبه با خط ریزتری نوشته شده است:

حاشية شرح النصير الطوسي للإشارات للنصير الحلي في الحكمة الفلسفية. [بنگريد: تصوير شماره  
۱۳]

آغاز به این صورت است:

خطبة الشرح قوله هو المعارف الحقيقية: [قلت] أي التصورات المطابقة.

انجامه نسخه این گونه آمده است:

وقع الفراغ من تحرير الحواشي للعالم الفاضل المحقق المدقق نصير الملة والدين الحلي طاب ثراه  
ظهره يوم الخميس الثاني عشرة من شهر المشهور المبارك ربيع الأول من شهر سنة إحدى وستين  
وثمانمائة، والحمد لله وحده والصلاة على محمد وأهل بيته الطاهرين وسلّم تسليمًا دائماً كثيراً،  
والحمد لله وحده.

۵۲. از استاد عزیز جناب آقای دکتر حسن انصاری بابت معرفی و در اختیار قرار دادن این نسخه تشکر می‌کنم.

اما بخار العدم الاول لولا لم ثبت المدعى في الواقع لثبت عدمه وسواء ثبت على احمد التقدري  
باجد التلین اذ لا تعان ولا ضرورت علما انما الضرورة ممنوع قوله لم لعدم المعلق ذكر في  
سورتي شرف يوم المدعى على صدره لان المدعى تابا وذلك غير موجب لاننا لم نسلم انه لم يقدم  
الا ذلك فانه لعدم انه ان ماسوا الواقع بان ثبت على احمد التقدري من باجد التلین وهذا التقدري على  
بالشرف ضروره لكن له ان يعود وسوال ارد بالمعنى الجبينا معاير التقدري شرف ما هو الواقع والمدعى  
وعدمه على احمد التقدري من باجد التلین ولقد هم هذا التقدري وما ذكرتم من المبلغ ليس بغاير اما بل هو  
احمد وما والمبلغ والشئ الثاني ليس هو واحدا منها فنسقط ما ذكرتم ويمكن ان كانت بينه  
قال نحن لم نقل ان المبلغ الى الاذراف سورتي عدم المدعى على التقدري هو ذلك التقدري فقط بل كل  
التقدري مع لزوم وقوع عدم المدعى في الواقع على تقدري عدم المدعى ولا يمكن ان هذا المجموع مبلغ الى القول  
ان ماسوا الواقع منها وهو المبلغ منها انما العدم ثابت على احمد التقدري نغذا ما نخطو بالمال البالي  
فلسا من فيه لعله نظر كل آخر لهذه المخالطة فانها مطبوعه جدا اية التحل سره المنع لا زال  
مولاي نساء العالي نجما ونبأ وللعلماء كذا توبيا قد هذه الكتاب سورتي عدم المدعى  
والجيزات وواهب العقول والكمالات سورتي عدم المدعى والعرب من بلداء والله اعلم  
في اوابل سبحان العظيم وتتميمه احدي الرضى وسماه محمديه صلوات الله عليه

بالتعالي





کتابخانه عمومی مسجد کاشانی

مجموعه دستنوشته‌های علامه مجلسی

الحملی نصرالدین

کتابخانه جامع تبریز

و حاراً بالنزاع الصبی منه ملکاً لا یقلع عیاره الا علی اهل الدین  
 علی سرور من بعد من تعلیم و برهه السخیس من سیرت  
 تا خدا کند بویا ابن عم از سلطان افضل الجامع و الدین  
 ار دام اسم و زنده خواریم و نفع بالعلم الکفایت  
 بحق و فخر انکار نعهد و یکبارگی متعین عمر  
 الخوضب علیهم و اولادهم الصالحین ائمتنا

حاشیه خط مشرفه

مجموعه من اطراف

ماهر التشریح

بسم الطاهر

علیه عهد و نذر الربح و النعم

الحکم

مجلسی

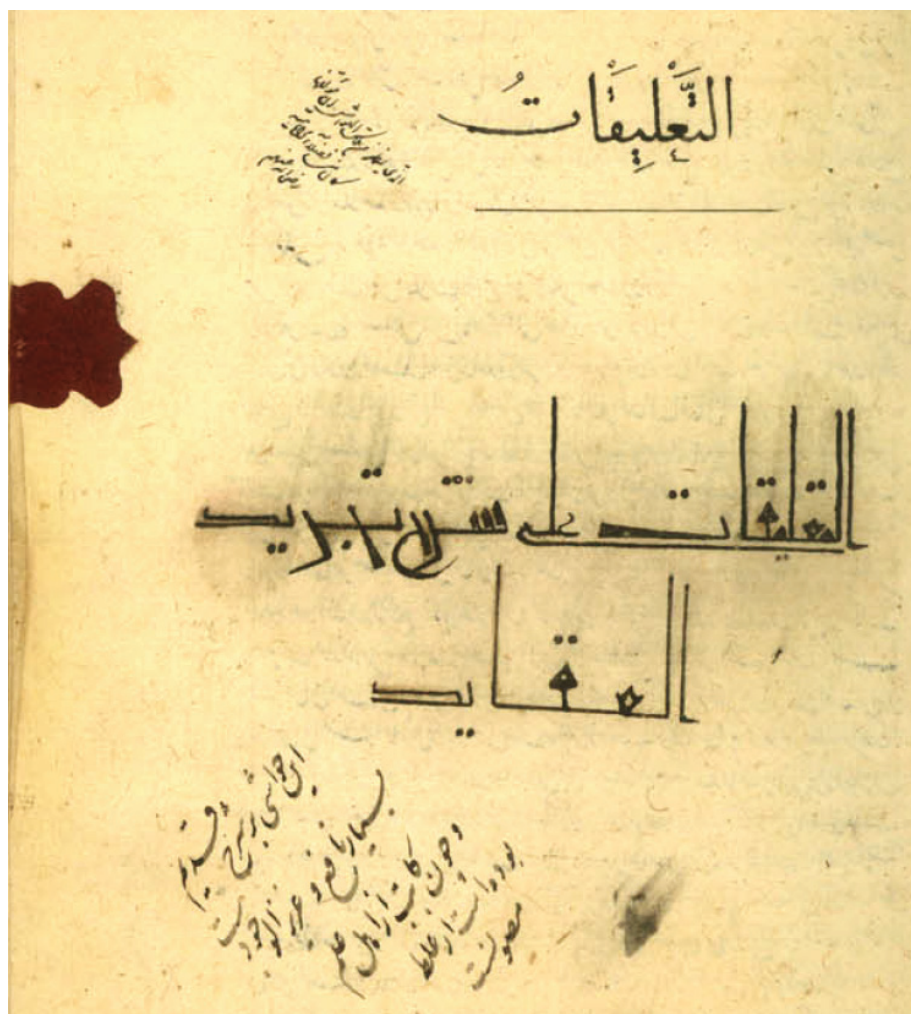
ولا یقال انما سئل من بعد و المرفک عامل الاعم و المکله و ملک  
 ما فی قولها بلکه لا یلزم من العیان من معدوم و الایام و وجود  
 الحیث انما انما لانا بقول المفسر من بعد المود و ووات الی  
 و اما سئل انما لا یقال انما لانا بقول المفسر من بعد المود و ووات الی  
 و اما سئل انما لا یقال انما لانا بقول المفسر من بعد المود و ووات الی  
 و اما سئل انما لا یقال انما لانا بقول المفسر من بعد المود و ووات الی  
 و اما سئل انما لا یقال انما لانا بقول المفسر من بعد المود و ووات الی





فیه الکتاب فی صفتها مولانا مکان محکم فی فضل المباحین  
سعدقان المحققین نصیر المله والیه من انما  
تعمده الله بالرحمة والرضوان

الاولی المدعی لا مؤثره و وجود شی من الاسباب الا الله تعالی لانه لو کان لکان ممکن  
الوجود و خلا به من غده تامه فتمک اما نفسه او جزوه او خارج عنه و الاول علی هر  
السطح و الی متمزم عدده استیجاب الی اقی اجزایه و الثالث بوقت عدم  
احتیاج المعلوم الاول الی غده عدته ضروره خروجها عنها و استغناء عن  
کل ما یخرج عنها ذی غده تامه و ذلك محال لضروره ان المقتدر الی المقتدر  
الی الشی مقتدر الی ذک الشی و اجزایه اما من حیث المناقضه فیقول الام  
ان العده التامه لو لم یکن الله تعالی لکان ممکنه عدته و اما یلزم ان لو کان  
العده التامه لذلک لم موجوده لکن العده التامه لا وجودها ضروره لو  
عدم المانع من اجزایها و اما من حیث المعارضه فیقول لو کان لکان قیوم  
ان لا یوجد کم یصل الی استلزام ذلك استغناءه عن کل اجزایه ضروره لو کان  
الواجب مؤثره اما باله الشیء المدعی انه لیس بین بعضیة استنباطین  
جزئیه علی خلافه جوابه و ذلك بان المعدوم فی الخارج خص من الامکان  
لانه انتمسح او معدوم ممکن و کل منها ممکن بالامکان العام فبینه من الام  
امکان العام مباحیه کلئیه مع انه لامبائیه جزئیه بین الموجود و الامکان العام  
و الجواب لانهم ان کل تمسح ممکن بالامکان العام و اما یلزم ذلك ان لو کان  
ضروری لظرفین او نقض الامکان العام کلئیه تمسح لا یقبل عده الا لکن  
ضروری لظرفین و لا شک انه اخص الامکان العام نقض لذلک  
الافتصال ضروره انه غیر ضروری الوجود و مستکون ممکنه بالامکان العام





فكل ما نسوم به المركب هو مركب والعكس فكل بعض العدد العالمه والمخاصن الاقربانها  
 ليس باجزآء فكلو با عم من كل والحلاف والمخاصه الاولى **الشرح** ولا بد من حاجتها  
 لبعض الاجزء الى البعض ولا يمكن تمولها باخبار واحد **الشرح** المركب الذي هو هذه  
 حقيقيه لا يجوز ان يكون كل واحد من اجزائه مستغنيا عن كل واحد من الاجزء الباقية والانا  
 ان يحصل منها ما يهيم كونه واحده كما لا يحصل من التان **الشرح** الموضوع الى جنبه ما يهيم كونه  
 وبذا هو روي وآيراد المثال النوع لا يستدل به عليه فانه ربما خفي التصديق الضروي  
 للحقايق بقصور اطر فيورد مثال يتضح به التصديق ولا يمكن ان يكون كل واحد من الاجزء  
 محتاجا الى كل واحد من الاجزء الباقية من حيثها التي احتاج اليه فيها والالزم الدور

*اصحاح*  
 ما ذكره من كون المركب هو مركب والعكس فكل بعض العدد العالمه والمخاصن الاقربانها ليس باجزء فكلو با عم من كل والحلاف والمخاصه الاولى **الشرح** ولا بد من حاجتها لبعض الاجزء الى البعض ولا يمكن تمولها باخبار واحد **الشرح** المركب الذي هو هذه حقيقيه لا يجوز ان يكون كل واحد من اجزائه مستغنيا عن كل واحد من الاجزء الباقية والانا ان يحصل منها ما يهيم كونه واحده كما لا يحصل من التان **الشرح** الموضوع الى جنبه ما يهيم كونه وبذا هو روي وآيراد المثال النوع لا يستدل به عليه فانه ربما خفي التصديق الضروي للحقايق بقصور اطر فيورد مثال يتضح به التصديق ولا يمكن ان يكون كل واحد من الاجزء محتاجا الى كل واحد من الاجزء الباقية من حيثها التي احتاج اليه فيها والالزم الدور

الوجود على نفاية والصلوة على سببه انبياءه واكرم اجباية فاني مجيب الي  
 ما سئلت من تخرجه مسائل الكلام وترتيبها على المنع القاطم مشتملا على غير  
 فزائد الاعتقاد ونكت مسائل الاجتهاد مما فائدني الدليل اليه وقوي من الاضواء الصفة  
 اعتقادي عليه والله اسأل العصمة والسادات وان جعله ذخر يوم المعاد  
 وبسميته تجريد القواعد ورتبته على شته مقاصد **الشرح** لما كان  
 في علم الكلام باحثا عن امور يعلم منها المعاد وما يتعلق به من الجنة والنار والصفات  
 والميزان والثواب والعقاب وذلك يتوقف على النبوة والالامة وما يتوقف  
 على اثبات الصانع وصفاته وسورهت على الحدوث الذي هو الجوهري والعرض  
 جميع ذلك يتوقف على الامور العامة التي هي مشتملة على بيان سببها الاجرام  
 على شته مقاصد المقصد الاول في الامور العامة والثاني في الجوهري والعرض  
 والثالث في اثبات الصانع وصفاته والاربع في النبوة والالامة  
 والسادس في المعاد ولستقدم مقدمة في تعيين الموجودات على من هذا الطبع  
**قال** المتكلمون الموجود يتشتم الى ما لا اول لوجوده وسوال التقديم الى الم  
 اول وسوال الحدوث والتقديم سوا الله سبحانه وصفاته الثانية عند الاشاعرة وهي  
 القدرة والعلم واجبوة والا ادراك والالامة والسمع والبصر والكلام ومنه سبب  
 فانهم  
 ما ذكره من كون المركب هو مركب والعكس فكل بعض العدد العالمه والمخاصن الاقربانها ليس باجزء فكلو با عم من كل والحلاف والمخاصه الاولى **الشرح** ولا بد من حاجتها لبعض الاجزء الى البعض ولا يمكن تمولها باخبار واحد **الشرح** المركب الذي هو هذه حقيقيه لا يجوز ان يكون كل واحد من اجزائه مستغنيا عن كل واحد من الاجزء الباقية والانا ان يحصل منها ما يهيم كونه واحده كما لا يحصل من التان **الشرح** الموضوع الى جنبه ما يهيم كونه وبذا هو روي وآيراد المثال النوع لا يستدل به عليه فانه ربما خفي التصديق الضروي للحقايق بقصور اطر فيورد مثال يتضح به التصديق ولا يمكن ان يكون كل واحد من الاجزء محتاجا الى كل واحد من الاجزء الباقية من حيثها التي احتاج اليه فيها والالزم الدور



**مولف هذا الكتاب منزه عن المعززة**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد وآله اجمعين وبعد  
 فذكر حواشي على الطوالع علقها المولى الفاضل والمحقق الكامل  
 نصر الملة والدين الحلي صلى الله فراديس الجنان وتغمد  
بالرحمة والفضل قول دل على وجوهه ارضه وسماؤه فان للملكين  
 استدلون بحدوث العالم على وجوهه عالمى قول وشهد بوجدانته  
 وصف العالم اشارة الى ما ثبت بدلك التمانه قول لا ينبغي قلده عند  
 المراد له اعادته لانه اى عند حصول المراد بل له اعادته كما كان له  
 اعادة قوله اتمالى قلده سنة السابعة فضاة قوله المنة قوله وصوره

منقطع  
 منه

انوار حق بين المشجيين للراية والتدبير  
 والمطمين على الصلوات والروايات الكاشفة  
 عن احوال السعداء والاشقياء في دار البعث يوم  
 الحساب

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد وآله اجمعين وبعد  
 فذكر حواشي على الطوالع علقها المولى الفاضل والمحقق الكامل  
 نصر الملة والدين الحلي صلى الله فراديس الجنان وتغمد  
 بالرحمة والفضل قول دل على وجوهه ارضه وسماؤه فان للملكين  
 استدلون بحدوث العالم على وجوهه عالمى قول وشهد بوجدانته  
 وصف العالم اشارة الى ما ثبت بدلك التمانه قول لا ينبغي قلده عند  
 المراد له اعادته لانه اى عند حصول المراد بل له اعادته كما كان له  
 اعادة قوله اتمالى قلده سنة السابعة فضاة قوله المنة قوله وصوره

بسم الله الرحمن الرحيم  
بدره حواش من فوائد الاسماء العلامه كعصر الملل والديس  
القاشان على سرح السمسة لولما نظرت اللسان نوران فيهما **اول**  
ما يجب ان يعلم في المنطق اما ان يعرف السروج ودره اوله فان كان  
الاول فهو المعده **اول** بل من ما ذكره نودف السروج والمعده على المعده  
بل على السروج لان ما تحت معرفه من علم من اجزاء والعصر في دره عادل  
المنطق **اول** والمزا والمعده بهما ما يعرف عليه السروج في العالم **اول**  
قال السروج لا يعرف على ما ذكره فالاول ان يعرف المعده بما يمكن في  
محصل ذلك الفن ولا شك ان المعده كرايت في المعده فبما يمكن في  
**اول** فانه لو لم يعلم عامه العلم والعرض من كان طلبة كذا **اول**  
قال في الصحاح العيش اللعين قال السروج في الضعاف العيش عازة شمس  
متخيلة عن فله عقلت فان اراد ان يشره ودره في المعده ودره فانه



النظام الصادر من المبادئ العالمه وسال للزجاج مال الجوهري  
الصحیح الزجاج الاحداث الطعام والطعام لوغاد الناس والوعد  
العمل الذي يخدم بطعام بطنه اي عوزي به اي انتم وانتم  
اسمه اعلم بالصواب والله المرجع والمآب وقع النزاع من تحرير الحوائج  
العالم الناضل المحقق المدقق نصر الملم والدر الحلي طاب ثراه ضحوة  
يوم الخميس العاشر من شهر شوال من سنة ١٢٠٢ هـ محمد بن محمد  
والمرسد وحده والصلوة  
على محمد واهله  
الطاهرين  
وسام  
عليه السلام

چونستند نسیم در خانه ول  
صحنه که رطوبت  
سوم همدکنند و وضو صورت  
آرند و اسطوخودوس  
جواب جنبه جسم اعلی بخوراه  
زین من قدامن

### کتابنامه

- اعیان الشیعه: امین، محسن؛ محقق: حسن امین؛ بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- تسدید القواعد فی شرح تجرید العقائد؛ الاصفهانی، شمس‌الدین محمود بن عبدالرحمن؛ تحقیق: خالد بن حماد العدوانی؛ کویت، دارالضیاء، ۱۴۳۳ق.
- الذریعة إلی تصانیف الشیعه؛ آقابزرگ طهرانی، محمد محسن؛ بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
- ریاض العلماء و حیاض الفضلاء؛ افندی اصفهانی، میرزا عبدالله؛ تحقیق: سیداحمد اشکوری؛ قم، خیام، ۱۴۰۱ق.
- ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة واللقب؛ مدرس، میرزا محمدعلی؛ تهران، خیام، ۱۳۷۴ش.
- فهرستگان نسخه‌های خطی ایران «فنخا»؛ درایتی، مصطفی؛ تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۹۰ش.
- فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران «دنا»؛ ویراست دوم؛ درایتی، مصطفی؛ مشهد، انتشارت الجواد توس، ۱۳۹۸ش.
- مجالس المؤمنین؛ شوشتری، سیدنورالله؛ تهران، اسلامیه، ۱۳۵۴ش.
- موسوعة طبقات الفقهاء؛ سبحانی تبریزی، جعفر؛ قم، مؤسسه الإمام الصادق (علیه السلام)، ۱۴۱۸ق.
- النکات؛ الکاشی، علی بن محمد؛ تحقیق: الشیخ سلام محمد الناصری؛ نجف، العتبه العلویة المقدسة، ۱۴۳۸ق.
- نگرشی بر نگارش‌های کلامی (۸)؛ نصیرالدین کاشانی و نگاشته‌های کلامی او؛ شماره ۱۶۴، خرداد و تیرماه ۱۳۹۶.